

فهرست مطالب

۱ پیشگفتار

فصل اول: مباحث مقدماتی

۵	اهداف آموزشی
۶	۱. معنای لغوی و تعریف‌های اصطلاحی تفسیر
۶	معنای لغوی
۸	تعریف‌های اصطلاحی
۱۳	۲. معنای لغوی قواعد و تعریف‌های اصطلاحی قواعد و قواعد تفسیر
۱۳	معنای لغوی و اصطلاحی قواعد
۱۳	تعریف‌های اصطلاحی قواعد تفسیر
۱۷	۳. اهمیت و ضرورت قواعد تفسیر
۲۰	۴. پیشینه و کتاب‌شناسی
۲۶	۵. دسته‌بندی قواعد تفسیری
۲۷	چکیده
۲۸	خودآزمایی
۲۸	منابع برای مطالعه بیشتر

فصل دوم: قواعد تفسیری مرتبط با اختلاف قرانت

۳۲	اهداف آموزشی
۳۲	مقدمه
۳۲	مباحث مینایی

۳۳	قرانت و ارتباط آن با تفسیر.....
۳۳	پیدایش اختلاف در قرانت.....
۳۷	تفاوت اختلاف قرانت و تحریف.....
۴۰	اقسام آیات از جهت اختلاف قرانت.....
۴۱	دیدگاه‌های کلان در قرانت صحیح آیات.....
۴۲	الف) تواتر قرانت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه.....
۴۵	ب) حجیت قرانت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه.....
۵۵	ج) اعتبار قرانت کنونی.....
۷۰	قواعد تفسیری.....
۷۰	۱. لزوم تفسیر آیات طبق قرانت رسول خدا.....
۷۱	۲. لزوم جستجوی قرانت‌های دیگر جز قرانت اعراب‌گذاری شده کنونی.....
	۳. لزوم تفسیر طبق قرانت اعراب‌گذاری شده در آیاتی که در قرانت آنها قرانت مشهور دیگری گزارش نشده است.....
۷۱	۴. لزوم تحقیق برای شناسایی قرانت رسول خدا ﷺ در آیاتی که با بیش از یک قرانت مشهور قرانت شده‌اند.....
	۵. لزوم پرهیز کردن از نسبت دادن معنا به خداوند متعال طبق قرانت‌هایی که مطابقت آنها با قرانت رسول خدا ﷺ محرز نیست.....
۷۲	چکیده.....
۷۳	خودآزمایی.....
۷۴	منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر.....
۷۵	برای پژوهش.....

فصل سوم: قواعد تفسیری تبیین مفردات و ساختار ادبی آیات

۷۹	اهداف آموزشی.....
۸۰	مقدمه:.....
۸۰	ضرورت آگاهی از معانی مفردات و ساختار ادبی کلمه‌ها و جمله‌ها.....
۸۲	۱. لزوم توجه به مفاهیم کلمات در میان عرب‌های فصیح زمان نزول.....
۸۳	تأثیر نداشتن تحول تئوری‌ها در فهم معانی مفردات قرآن.....
۸۵	تمایز قرآن و متون بشری.....
۸۸	۲. لزوم شناسایی همه معانی کلمات از منابع معتبر.....
۹۴	۳. پرهیز از حمل کلمات بر مجاز بدون قرینه.....

۹۷	۴. لزوم شناخت حقیقت قرآنی و توجه به آن در تفسیر آیات.....
۹۹	۵. لزوم رجوع به روایات برای شناخت معانی ویژه قرآنی کلمات.....
۱۰۳	۶. لزوم توجه به تفاوت مشترک معنوی و مشترک لفظی.....
۱۰۴	الف) حمل لفظ بر معانی متعدد.....
۱۰۶	ب) استفاده از روایات تفسیری.....
۱۰۷	۷. لزوم مطابقت تفسیر با قواعد ادبی برگرفته از فصیح‌ترین عبارات‌های عربی.....
۱۰۹	راه دستیابی به قواعد برگرفته از فصیح‌ترین قالب‌های ساختاری.....
۱۱۱	قرآن و اعتبار قواعد ادبی.....
۱۱۲	چکیده.....
۱۱۳	خودآزمایی.....
۱۱۳	منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر.....
۱۱۷	برای پژوهش.....

فصل چهارم: قواعد تفسیری توجه به قرآن متصل

۱۲۰	اهداف آموزشی.....
۱۲۰	مقدمه: معنا و مقصود از قرآن.....
۱۲۱	۱. لزوم توجه به قرآن.....
۱۲۲	۲. لزوم آگاهی از چگونگی و میزان تأثیر اقسام قرآن در مدلول کلام.....
۱۲۵	۳. لزوم شناسایی همه قرآن متصل و توجه به آنها در فهم ظهور آیات.....
۱۲۶	۴. لزوم توجه به سیاق.....
۱۲۸	اهمیت توجه به سیاق در دیدگاه دانشمندان.....
۱۲۹	ملاک قرینه بودن سیاق و میزان تأثیر آن.....
۱۳۱	انواع سیاق.....
۱۳۱	الف) سیاق کلمات.....
۱۳۳	ب) سیاق جمله‌ها.....
۱۳۳	ج) سیاق آیات.....
۱۳۳	۵. لزوم احراز ارتباط صدور و موضوعی کلام در توجه به سیاق.....
۱۳۵	الف) ارتباط صدور یا پیوستگی در نزول.....
۱۳۶	تدریجی بودن نزول قرآن و تأثیر آن در قرینه بودن سیاق.....
۱۴۱	ب) ارتباط موضوعی.....
۱۴۲	راه‌های احراز شرایط سیاق معتبر.....

۱۳۳	استقلال نزول سوره‌ها.....
۱۳۴	۶ لزوم اکتفا به معنای مشترک در موارد مشکوک بودن سیاق.....
۱۳۷	۷ لزوم توجه به فضای نزول آیات.....
۱۳۷	الف) سبب نزول.....
۱۵۰	ب) شأن نزول.....
۱۵۳	ج) فرهنگ زمان نزول.....
۱۵۳	د) زمان و مکان نزول.....
۱۵۵	تأثیر فضای نزول در فهم آیات از منظر روایات.....
۱۵۵	۸ لزوم بررسی فضای نزول های نقل شده برای آیات.....
۱۵۷	مختص نبودن سبب و شأن نزول.....
۱۵۹	۹ لزوم توجه به ویژگی های گوینده سخن.....
۱۶۱	میزان تأثیر ویژگی های گوینده سخن در مفاد کلام.....
۱۶۳	نتیجه گیری نادرست.....
۱۶۴	۱۰ لزوم توجه به ویژگی های مخاطب.....
۱۷۰	۱۱ لزوم توجه به ویژگی های موضوع سخن.....
۱۷۳	۱۲ لزوم توجه به مقام سخن.....
۱۷۵	۱۳ لزوم توجه به لحن کلام.....
۱۷۷	۱۴ لزوم توجه به معرفت های بدیهی.....
۱۸۰	چکیده.....
۱۸۲	خودآزمایی.....
۱۸۴	منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر.....
۱۹۰	برای پژوهش.....

فصل پنجم: قواعد تفسیری توجه به قرآن منفصل آیات

۱۹۱	اهداف آموزشی.....
۱۹۲	۱. لزوم شناسایی قرآن منفصل آیات.....
۱۹۳	۲. لزوم توجه به همه آیات مرتبط.....
۱۹۸	۳. لزوم توجه به همه روایات مرتبط.....
۱۹۸	دلایل اثبات قرینه بودن روایات برای آیات.....
۱۹۸	الف) اصول عقلانی محاوره.....
۲۰۲	ب) دلیل قرآنی.....

۲۰۸ (ج) دلیل روایی
۲۱۲ ۴. لزوم توجه به معلومات عقلی نظری
۲۱۲ دلالت قرینه بودن معلومات عقلی نظری
۲۱۲ الف) دلیل عقلی
۲۱۵ ب) سبب عقلی
۲۱۵ (ج) روایات
۲۱۷ استفاده از معلومات نظری فلسفی
۲۱۸ ۵. لزوم پرهیز از اتکا به مضمونات و احتمالات عقلی
۲۱۹ ۶. لزوم توجه به یافته‌های قطعی علوم تجربی
۲۲۱ ۷. لزوم توجه به ضروریات دینی و مذهبی و اجماع‌های معتبر
۲۲۷ چکیده
۲۲۸ خودآزمایی
۲۲۹ منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر
۲۳۱ برای پژوهش

فصل ششم: قواعد تفسیری فهم دلالت‌های غیرمطابقی

۲۳۳ اهداف آموزشی
۲۳۴ مقدمه
۲۳۵ تعریف دلالت و بیان اقسام آن در علم منطق
۲۳۶ بیان دلالت‌های غیرمطابقی کلام در علم اصول فقه
۲۴۲ ۱. لزوم توجه به دلالت‌های غیرمطابقی کلام در تفسیر آیات
۲۴۳ نمونه‌هایی از دلالت‌های غیرمطابقی آیات
۲۴۶ ۲. لزوم توجه به شرائط اعتبار مدلول‌های غیرمطابقی
۲۴۷ ۳. پرهیز از ذکر معانی باطنی فراعربی
۲۵۲ نمونه‌ای از تفسیرهای باطنی مخالف قاعده
۲۵۲ چکیده
۲۵۵ خودآزمایی
۲۵۶ منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر
۲۵۹ برای پژوهش

فصل هفتم: قاعده «لزوم علم یا علمی بودن مستندات تفسیر» و آثار آن

۲۶۱	اهداف آموزشی.....
۲۶۲	مقدمه.....
۲۶۲	۱. تعریف قاعده.....
۲۶۲	۲. ادله اعتبار قاعده.....
۲۶۲	الف) سیره عقلا.....
۲۶۲	ب) آیاتی از قرآن.....
۲۶۵	ج) روایات.....
۲۶۸	۳. آثار قاعده.....
۲۶۸	۱-۳. اثر قاعده در استفاده تفسیری از آیات.....
۲۷۲	۲-۳. اثر قاعده در استفاده تفسیری از روایات.....
۲۷۳	الف) روایات متواتر یا محفوظ به قرآن قطعی.....
۲۷۳	ب) روایات آحاد معتبر.....
۲۷۵	قلمرو اعتبار روایات آحاد.....
۲۷۷	ج) روایات آحاد غیر معتبر.....
۲۸۱	۳-۳. اثر قاعده در استفاده تفسیری از اخبار تاریخی.....
۲۸۲	۳-۴. اثر قاعده در استفاده تفسیری از روایات و آرای صحابه و تابعان.....
۲۸۶	۳-۵. اثر قاعده در استفاده تفسیری از آرای مفسران.....
۲۸۷	۳-۶. اثر قاعده در استفاده تفسیری از اقوال و آرای لغت‌دانان.....
۲۸۸	دلایل اعتبار داشتن اقوال و آرای لغت‌شناسان.....
۲۸۸	الف) بنای عقلا بر اعتماد کردن به خبر تقه.....
۲۸۹	ب) بنای عقلا بر اعتماد کردن به رأی خبره.....
۲۹۰	دلایل اعتبار نداشتن قول و دیدگاه لغت‌شناسان.....
۲۹۰	الف) اختصاص بنای عقلا به صورت حصول اطمینان.....
۲۹۱	ب) لزوم شرایط شهادت دادن در اعتبار قول لغت‌دانان.....
۲۹۲	ج) رد شدن بنای عقلا به روایت مسعده.....
۲۹۴	د) محرز نبودن رجوع مردم به اهل لغت در زمان امامان معصوم.....
۲۹۴	ه) بی اعتبار بودن قول لغت‌دانان در تعیین معنای حقیقی.....
۲۹۵	و) محرز نبودن وثاقت بیشتر لغت‌دانان.....
۲۹۷	نتیجه‌گیری.....
۲۹۸	پادآوری دو نکته.....

۲۹۹ چکیده
۳۰۱ خودآزمایی
۳۰۲ منابع برای اطلاع از پیشینه مباحث و مطالعه بیشتر
۳۰۳ برای پژوهش

۳۰۵ منابع و مأخذ
-----	--------------------

نمایه‌ها

۳۱۹ نمایه آیات
۳۲۲ نمایه روایات
۳۲۶ نمایه اسامی معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۳۲۷ نمایه اشخاص
۳۳۵ نمایه کتاب‌ها
۳۴۰ نمایه مقالات

پیشگفتار

قرآن کریم برترین و کامل‌ترین کتاب الهی است^۱ که از جانب خداوند عزیز و حکیم^۲ و پروردگار رحمان و رحیم^۳ برای هدایت انسان‌ها به‌ویژه پرهیزکاران و نیکوکاران نازل شده است.^۴

اعجاز آن، سند حقیقت آن و منبع هدایت بودن آن برای همه مسلمانان یقینی است و عظمت و برتری آن را انسان‌های فرهیخته اذعان دارند.

خدای متعال این کتاب را بر آخرین و برترین پیامبرش فرو فرستاد تا آیات آن را بر همه مردم، اعم از مؤمنان و غیر آنان تلاوت کرده^۵ و معارف و احکام آن را تبیین کند^۶ و با هدایت‌های نورانی آن، جامعه بشری را از تاریکی‌های گمراهی بیرون کشد و به نور هدایت برساند.^۷ آن حضرت نیز پس از عمری تلاش و کوشش فراوان در رساندن آن آیات به مردم و تعلیم و تبیین پیام‌های آن و ترکیب و تربیت انسان‌ها در پرتو هدایت‌های آن، در سال پایانی

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّبًا عَلَيْهِ...» (مائده، ۴۸).
۲. «تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (زمر، ۱). ۳. «تَنْزِيلَ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (فصلت، ۲).
۴. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الرِّضْوَانِ...» (بقره، ۱۸۵). «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره، ۲). «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (معدی و ترخمة لِّلْمُخْسِنِينَ» (لقمان، ۲-۳).
۵. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ...» (آل عمران، ۱۶۴). «مَنْ أَدَّبَ اللَّهُ نَبِيًّا فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَتْلُوهُمْ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...» (جمعه، ۲).
۶. «... وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل، ۴۴).
۷. «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهيم، ۱).

و آخرین روزهای عمر پر برکت خویش مکرر بر بهره‌گیری از هدایت قرآن تأکید داشت و تمسک به قرآن و اهل بیت و ویژه خود را تنها راه مصون ماندن امت اسلامی از انحراف و کمراهی معرفی کرد.^۱

برخی بهره خود از این کتاب با عظمت را تکذیب آن قرار دادند^۲ و گروهی راه هجران و دوری از قرآن را پیش گرفتند^۳ و گروهی به قرانت و حفظ آیات آن اکتفا کردند؛ ولی گروه‌های فراوانی از عالمان مسلمان علاقه‌مند به این کتاب به تفسیر آن روی آوردند و تاکنون کتاب‌های تفسیری فراوان با اسلوب‌ها، شیوه‌ها و رویکردهای اعتقادی مختلف برای این کتاب تألیف کرده‌اند و مجلس‌های تفسیری فراوانی برای آن تشکیل شده و می‌شود.

رویکرد تفسیری داشتن به قرآن کریم به‌جا و ستودنی است و کثرت کتاب‌های تفسیری و مجالس تفسیر نیز موجب خوشحالی و خرمسندی است، اما باید توجه داشت هرچه به نام «تفسیر قرآن» گفته یا نوشته می‌شود مفید، ارزنده و موجب خوشحالی نیست؛ تفسیری مفید و موجب خرمسندی است که عالمانه، روشمند، مبتنی بر مبانی مستقن و با رعایت قواعد تفسیری معتبر (مستند به مبانی عقلی یا عقلانی یا نقلی) باشد، و تفسیرهای ذوقی و استحسانی بی‌مبنا و بدون آگاهی از قواعدی که در تفسیر باید رعایت شوند، اگر ضررش از روی نیاوردن به تفسیر قرآن بیشتر نباشد، قطعاً کمتر از آن نیست؛ نهایت ضرر و پیامد روی نیاوردن به تفسیر قرآن محروم ماندن از برخی آموزه‌ها و هدایت‌های قرآن کریم است که آگاهی و استفاده از آنها متوقف بر تفسیر است، ولی در تفسیرهای ذوقی و استحسانی بی‌مبنا و بدون رعایت قواعد تفسیر افزون‌بر نرسیدن به بسیاری از آموزه‌ها و هدایت‌های واقعی قرآن، خطر ابتلا به افترا و نسبت دادن مطالب نامعلوم به خدا نیز بسیار زیاد است؛ زیرا کسانی که بدون آگاهی از مبانی و قواعد تفسیر با مطالعه آیات هرچه به ذهنشان آید به عنوان تفسیر ارانه می‌دهند بسیاری از مطالبی را که به عنوان معنای آیات بیان می‌کنند معلوم نیست معنای واقعی آیات باشد، و با توجه به آیات و روایاتی که از تفسیر

۱. «ألم تترك قبكم الثلثين ما إن تشككنم بهما لن تضلوا. كتاب الله و عزرتي أهل بيتي» (حزب عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۹، ح ۹)؛ برای دیدن این حدیث با عبارات‌های دیگر ر.ک: صدوق، کمال‌الذین، ج ۱، ص ۲۳۴، (باب ۲۲، حدیث‌های ۴۴-۶۲؛ ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱، حدیث ۳۷۶۸؛ ص ۶۲۲، ح ۳۷۸۸؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹، ۱۴۸ و...)

۲. «إنه لقرآن کریم... ألهذا الحدیث أنتم مذهبون ولتجعلون رؤفکم أنکم تکذبون» (واقعه، ۷۷-۸۲).

۳. «و قال الرسول با رب إن قومی الخلدوا هذا القرآن منهجوزاً» (قرقان، ۲۰).

بدون علم و نسبت دادن مطالب نامعلوم به خدای متعال به شدت نهی و نکوهش کرده‌اند. شدت ضرر و خطر این‌گونه تفسیرها و اهمیت و ضرورت شناخت قواعد تفسیر و رعایت آن در تفسیر آشکارتر می‌شود؛ در برخی آیات نسبت دادن مطالب نامعلوم به خدا در ردیف شرک به خدا قرار گرفته و بر حرمت آن تصریح شده است.^۱ از برخی روایات استفاده می‌شود کسی که قرآن را از پیش خود (با ذوق و استحسان) تفسیر کند هم خودش هلاک می‌شود و هم پذیرندگان تفسیرش را به هلاکت می‌افکند.^۲ در روایتی از پیامبر خدا ﷺ نقل است که فرمود: کسی که بدون علم درباره قرآن سخن بگوید ناکزیر جایگاه او در آتش است.^۳

بنابراین، یکی از علوم پیش‌نیاز ضروری برای تفسیر شناخت قواعد تفسیری مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلانی است.^۴ یا توجه به این ضرورت، در کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن که نخستین بار در سال ۱۳۷۹ ش. انتشار یافت یک فصل مهم به «قواعد تفسیر» اختصاص یافت^۵ و در آن فصل با مطالعه در کتاب‌های علوم قرآنی و مقدمات برخی تفسیرها و با بهره‌گیری فراوان از مباحث الفاظ اصول فقه، هفت قاعده اساسی برای تفسیر تأسیس یا تبیین شد که از هر قاعده، قواعد فرعی متعددی را می‌توان نتیجه گرفت.^۶

در کتاب روش تفسیر قرآن نیز که مطالب آن همان مطالب کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن است و به کوشش جناب حجت الاسلام والمسلمین محمود رجیبی به صورت کتاب درسی نگارش یافت و نخستین بار در زمستان ۱۳۸۳ ش. منتشر شد، مطالب آن فصل تلخیص و در نه درس یا پرسش‌هایی برای خود آزمایی و معرفی منابعی برای مطالعه و پژوهش بیشتر ارائه شدند.^۷ و از هر دو کتاب در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی به‌عنوان کتاب یا منبع درسی استفاده شده و می‌شود.

۱. «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأَنثَمَ وَ الْبَغْيَ بَعْدَ الْحَقِّ وَ أَنْ تَشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزُلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا نَعْلَمُونَ» (اعراف، ۳۳).

۲. «بِإِذْنِهِ إِنْ كُنْتُمْ إِتْمَنْتُمْ الْقُرْآنَ مِنَ تَلْفَاهِ فَسَيَكْفِيكُمْ فَكَلَّمْتُ وَ أَهْلَكْتُ» (ر.ک: کلینی، روضة الکاظمی، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۴۸۵).

۳. ر.ک: صدوق، التوحید، ص ۹۰.

۴. برای توضیح بیشتر اهمیت و ضرورت قواعد تفسیری ر.ک: همین کتاب.

۵. ر.ک: بابانی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۴۱-۲۶۰.

۶. کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن تألیفی مشترک بوده و فصل نخست آن با نام «کلیات» و فصل دوم آن با نام «قواعد تفسیر» تألیف نگارنده است. (ر.ک: بابانی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۴).

۷. ر.ک: رجیبی، روش تفسیر قرآن، ص ۴۱-۲۰۳.

نگارنده نیز محتوای آن فصل را بارها در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی تدریس کرده و ضمن بحث، به برخی کاستی‌ها و خلأهای مطالب آن پی برده و از این رو، بار دیگر محتوای آن فصل را با تأمل و دقت بازنگری کرده است و با اضافه کردن مطالبی برای رفع کاستی‌ها و خلأها، تکثیر قواعد و تقریر قواعدی جدید از قواعد کلی تبیین شده در آن فصل، تقویت برخی استدلال‌ها، بیان مثال‌هایی جدید از تفسیر آیات برای روشن‌تر شدن اثر برخی قاعده‌ها، تغییرات و تقدیم و تأخیرهایی ساختاری و تنظیم مطالب آن در هفت فصل، گام دیگری در رفع نقائص و تکمیل آن برداشته شد. همچنین در آغاز هر فصل اهداف آموزشی فصل و نیز در پایان آن، چکیده محتوای فصل، پرسش‌هایی برای خود آزمایی، منابعی جهت اطلاع از پیشینه مباحث فصل و مطالعه بیشتر بیان شده و در پایان بیشتر فصل‌ها مسائلی متناسب با مطالب آن فصل‌ها برای پژوهش پیشنهاد شده است.

برای استادانی که می‌خواهند این کتاب را تدریس کنند در خور تذکر است که حجم این کتاب به مقدار سه واحد درسی دانشگاهی است و برای تدریس کامل آن حدود پنجاه ساعت کلاس لازم است، اگر کسی بخواهد در کمتر از این مدت مثلاً در دو واحد درسی آن را تدریس کند، باید با مطالعه هر فصل، دو سوم از مطالب آن را که اصلی و مهم است برای تبیین در کلاس گزینش کند و یک سوم دیگر را که فرعی و غیر مهم است به مطالعه دانشجویان واگذارد. امید است این تلاش علمی گامی مؤثر در روش صحیح فهم و تفسیر قرآن کریم و نزدیک شدن به معانی و مقاصد واقعی آیات و مصون ماندن از تفسیر به رأی، تفسیر بدون علم و نسبت دادن معانی و مطالب نادرست و نامعلوم به خدای متعال باشد؛ لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

م. علی اکبر بابائی

شوال المکرم ۱۳۳۴ / شهریور ۱۳۹۲